

سنت‌مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر

(دیدگاه‌های قرآنی و نوآوری‌های شهید صدر در فلسفه نظری تاریخ)

جواد سلیمانی*

چکیده

گسترده‌گی دامنه تاریخ و احاطه نداشتن بر آن، ناممکن بودن آزمایش نظریه‌های تاریخی، آن‌گونه که در علوم تجربی مقدور است و خطاپذیری ویژه گزاره‌های تاریخ، فرایند اثبات قانونمندی و استخراج سنت‌های حاکم بر تاریخ را از طریق مطالعات تاریخی و اجتماعی بسیار دشوار ساخته است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌های مدعیان کشف قوانین تاریخ، پس از مدتی باطل می‌شوند. در چنین شرایطی، استمداد از آموزه‌های خطاناپذیر وحی می‌تواند راه‌گشای مسیری باشد که علم توانایی ایجاد آن را ندارد.

در این نوشتار، نگرش‌ها و استنباط‌های قرآنی شهید صدر -قدس سره- درباره اصل سنت‌مندی تاریخ و برخی از سنت‌های حاکم بر آن به صورت مختصر، منظم و منسجم بیان شده است. شهید صدر در برخی از حوزه‌های فلسفه تاریخ، دیدگاه‌های بدیعی را از قرآن مجید استنباط کرده است که شایسته توجه و بررسی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: فلسفه تاریخ، قانونمندی تاریخ، سنت‌های الهی در تاریخ، شهید صدر.

فلسفه تاریخ به دو بخش نظری و علم تاریخ تقسیم می‌شود؛ موضوع فلسفه نظری تاریخ حوادث و رخدادهایی است که در تاریخ بشر تحقق یافته است؛ ولی فلسفه علم تاریخ درباره گزاره‌ها، اسناد و آثار برجای مانده از تاریخ سخن می‌گوید و به بررسی روش پژوهش در تاریخ، میزان واقع‌نمایی گزاره‌های تاریخی و حجیت آنها می‌پردازد. شهید صدر در کتاب ارزشمند سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن^۱ به فلسفه نظری تاریخ اهتمام ورزیده است، نه فلسفه علم تاریخ. از منظر شهید صدر، مهم‌ترین پرسش‌های فلسفه تاریخ به شش پرسش اساسی باز می‌گردد که عبارت‌اند از:

۱. آیا از نظر مفاهیم قرآنی، تاریخ بشری سنت‌هایی دارد؟
 ۲. آیا تاریخ بشری دارای قوانینی حاکم بر مسیر حرکت و تحول آن است؟
 ۳. تاریخ بشری چگونه آغاز شده است؟
 ۴. رشد و تحول این تاریخ چگونه صورت گرفته است؟
 ۵. عوامل اصلی نظریه تاریخ چیست؟
 ۶. انسان در کار تاریخ چه نقشی دارد؟^۲
- ایشان سعی می‌کند در این کتاب به این پرسش‌ها براساس قرآن مجید پاسخ مناسبی بدهد.

۱. امکان استخراج سنت‌های تاریخی از قرآن دوم سده
شهید صدر پیش از پاسخ به پرسش اول، یک شبهه مبنایی مطرح می‌کند و آن اینکه قرآن کتاب هدایت و ارشاد است، نه یک کتاب علمی و آکادمیک که ما از آن توقع کشف قوانین علمی داشته باشیم. بنابراین، توقع کشف قوانین علمی از قرآن ناپیوسته است. ایشان در رفع این شبهه می‌گوید بین صحنه تاریخ با دیگر صحنه‌های طبیعت و وجود، یک تفاوت اساسی و جوهری وجود دارد؛ صحنه تاریخ، صحنه تحول و دگرگونی جوامع است و رسالت قرآن به منزله کتاب هدایت و ارشاد دگرگون‌سازی بشر است. بنابراین، می‌توان قوانین حاکم بر تحولات و دگرگون شدن جوامع را از درون کتابی که رسالتش دگرگون‌سازی جوامع بشری است استخراج کرد. دگرگون‌سازی موضوعی است که قرآن آن را با تعبیر «بیرون آوردن مردم از دل تاریکی‌ها به جهان نور و روشنائی» بازگو می‌کند.^۳

هدایت و دگرگون‌سازی در قرآن

از منظر شهید صدر، قرآن کتاب دگرگون‌سازی است و خداوند انبیا را برای دگرگون‌سازی فرستاده است. هدف از دگرگون‌سازی نیز همان خارج کردن از ظلمت به نور است که شهید صدر در صفحه ۷۶ کتاب سنت‌های اجتماعی در مکتب قرآن بدان اشاره کرده است. آیات زیر این معنا را می‌رسانند:

- كِتَابِ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهيم: ۱)
- أَنْ أُخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهيم: ۵)
- هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (احزاب: ۴۳)
- هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَيَّ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (حديد: ۹)
- لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (طلاق: ۱۱)

ابعاد دگرگون‌سازی در قرآن

ایشان معتقد است دگرگون‌سازی و ایجاد تغییر بنیادی جامعه در قرآن کریم، دو بُعد دارد:

الف: ... دستورها، روش‌ها و قوانینی که عمل تغییر و دگرگون‌سازی جامعه را هموار می‌سازد این بُعد از تحول و تغییر، بُعد الهی و آسمانی دگرگون‌سازی است که در قالب «دین و مکتب» نمایان می‌شود و از ناحیه خداوند به پیامبرش ارسال شده و با نزول آن تمام سنت‌ها و قوانین مادی تاریخ را به رویارویی و مبارزه فراخوانده است؛ زیرا این دین و مکتب از شرایطی که در آن نازل شد، از محیط و اجتماعی که در آن قرار گرفت و از شخصی که موظف به تحمل رنج‌ها و دشواری‌های تبلیغ آن شد، بزرگتر، برتر و فراتر بود.^۴

ب. عمل تغییر و دگرگون‌سازی در قالب یک اقدام عملی از طرف گروهی از مردم که متشکل از «پیامبر ﷺ و صحابه و یاران» آن حضرت بوده‌اند؛ این بخش از تغییر و دگرگون‌سازی باید در قالب یک اقدام عملی در مواجهه با موج‌های گوناگون اجتماعی و درگیر با انواع مبارزه‌ها، رقابت‌ها و نبردهای ایدئولوژیک، اجتماعی، سیاسی و نظامی بررسی شود. در چنین نگرشی، پیامبر و یاران و صحابه‌اش را مردمی همانند دیگر مردمان خواهیم یافت که سنت‌های تاریخی حاکم بر سایر جمعیت‌ها و گروه‌ها و توده‌ها در گذر زمان بر آنان نیز حاکم و غالب بوده است.^۵

رابطه و ویژگی ابعاد دگرگون‌سازی

بنابراین، تغییر و تحولی که قرآن انجام داده است و آن دگرگون‌سازی که پیامبر ﷺ عامل و منشأ آن بوده است، دو جنبه دارد: الف: جنبه خدائی که عبارت است از فوق تاریخ؛ ب: جنبه تاریخی که عبارت است از کوشش و تلاش بشری یک گروه از جامعه، در برابر تلاش‌ها و کوشش‌های گروه‌های دیگر؛ سنت‌های تاریخ و قوانین و ضوابطی که خداوند متعال برای تنظیم پدیده‌ها و نمادهای هستی در صحنه موسوم به تاریخ وضع کرده، حاکم بر این بخش است از این روی، قرآن کریم هنگامی که بُعد دوم تغییر و تحول اجتماعی را مطرح می‌سازد، از افراد و اشخاص سخن می‌گوید، نه از رسالت آسمانی؛ سخن از آدمیانی به میان می‌آورد که با ویژگی‌های انسانی و بشری، محکوم همان قوانینی هستند که بر جوامع دیگر حاکم بوده است.^۶

به نظر می‌رسد منظور شهید صدر از «رسالت آسمانی» همان بعد اول دگرگون‌ساز، روش‌ها، برنامه‌ها و رویه دگرگون‌سازی است. شاید هم عنصر سوّمی باشد که همان نیّتات و اهداف الهی است که خداوند در پی تحقق آن در بستر تاریخ است. و قرآن برنامه آن تحول آسمانی و پیامبران مجریان آنند. بنابراین، قرآن می‌تواند کتابی باشد که از آن فلسفه تاریخ استخراج شود.^۷

۲. رابطه رسالت آسمانی با سنت‌های تاریخی

پیش‌تر بیان شد که منظور شهید صدر از رسالت آسمانی، همان مکتب و دین است، که یکی از دو رکن دگرگون‌سازی به شمار می‌آید و ادیان و کتاب‌های آسمانی از جمله قرآن مجید عهده‌دار بیان آن می‌باشند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین رسالت آسمانی و سنت‌های تاریخی وجود دارد؟ آیا رسالت آسمانی مانند اصحاب و مجریان دین محکوم سنت‌های تاریخی بوده و گاه مقهور مخالفان می‌شوند و شکست می‌خورند یا همواره غالب و پیروز هستند؟ شهید صدر در پاسخ به این پرسش می‌فرماید:

قرآن مجید آنجا که می‌خواهد سخن از شکست مسلمانان در جنگ احد به میان آورد - شکستی که پس از کسب آن پیروزی بزرگ و قاطع در جنگ بدر گرفتارش شدند - این خسارت و شکست را چگونه مطرح می‌کند؟ آیا می‌گوید که رسالت آسمانی پس از پیروزی و موفقیت در جنگ بدر، دچار شکست و ناکامی در جنگ احد شد؟ خیر؛ زیرا رسالت آسمانی فراتر و برتر از مقیاس‌ها و معیارهای شکست و پیروزی به مفهوم مادی این واژه است. رسالت آسمانی شکست نمی‌خورد و هرگز شکست نخواهد خورد؛ آنکه شکست می‌خورد و گرفتار خسران و هزیمت می‌شود، انسان است؛ حتی اگر این انسان مجسم‌کننده رسالت آسمانی باشد؛ چرا که این انسان تحت حکومت و سیطره سنت‌ها و قوانین تاریخ است.^۸

اما رسالت آسمانی مافوق سنت‌های تاریخ است؛ بنابراین، از منظر این سخن، در قرآن یک رسالت آسمانی داریم و یک سنت‌های تاریخی که سنت‌های تاریخی بر انسان و تاریخ مادی سیطره دارد، ولی بر رسالت آسمانی سیطره ندارد. شاید عده‌ای از مسلمانان بر اثر سستی شکست بخورند؛ ولی خداوند رسالت خویش را توسط نسل دیگر به انجام می‌رساند.

۳. سیطره سنت‌های تاریخ بر همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و غیر مؤمن

دیگری که شهید صدر بر آن تأکید می‌ورزد، مسئله عمومیت سنت‌های تاریخ است؛ ایشان معتقد است سنت‌های تاریخ برای همه افراد وجود دارد. برای نمونه، همه انسان‌ها بر اساس سنت آزمایش آزموده خواهند شد و یا همه به تعالیم انبیا دست خواهند یافت. استدلال ایشان بر این حقیقت استناد به این آیه است: «این روزگاران، حکومت‌ها را به تناوب میان مردم می‌گردانیم». (آل عمران: ۱۴۰)

در این مقام، از آنان با وصف و خصوصیت مردمی و بشری سخن آغاز کرده، این‌گونه می‌فرماید که این قضیه در حقیقت ارتباطی قطعی با سنت‌های تاریخ دارد؛ زیرا مسلمانان در جنگ بدر - آنجا که شرایط لازم و منطقی پیروزی با همان معیارها و مقیاس‌هایی که سنت‌های تاریخی برای موفقیت تعیین کرده است وجود داشت - پیروز شدند. از طرف دیگر، پس از جنگ مذکور، در جنگ احد، آنجا که شرایط به گونه‌ای ترتیب یافته بود که براساس قوانین و معیارهای سنت تاریخ محکوم و مجبور به شکست می‌شدند، شکست خوردند: «اگر (در جنگ احد) آسیبی به شما می‌رسد، (در جنگ بدر) به آن گروه (دشمن) نیز آسیبی همانند آن رسیده است و این روزگاران [پیروزی‌ها] (را به تناوب) میان مردم می‌گردانیم...» (آل عمران: ۱۴۰)^۹

قرآن در این تقریر می‌خواهد بگوید که پس چنین میندازد که پیروز شدن یک حق خدایی برای شما مسلمانان است؛ خیر، پیروزی یک حق طبیعی برای شماست تا آن اندازه و در صورتی که بتوانید شرایط لازم و کافی آن را براساس [۷۹] منطق سنت‌های تاریخ - همان سنت‌هایی که خداوند به طور تکوینی وضع کرده است، نه تشریعی -^{۱۰} فراهم آورید و چون در غزوة احد شرایط پیروزی برایتان فراهم نبود، شکست خوردید.^{۱۱} حتی قرآن افقی دورتر را نشان می‌دهد و همین گروه انسانی، یعنی مسلمانان را که پاک‌ترین و بی‌آلایش‌ترین گروه‌ها در صحنه تاریخ بوده‌اند، تهدید می‌کند و این خطا را متوجه آنان می‌سازد که اگر وظیفه و رسالت خود را به انجام نرسانند، رسالت آسمانی تعطیل خواهد شد؛ بلکه گروه دیگری جایگزین آنان خواهد شد؛ زیرا سنت‌های تاریخی آنان را برکنار خواهد کرد و گروه‌های دیگری را که شرایط بهتر و برتری را برای ایفای نقش خود فراهم آورده باشند، یعنی شرایط لازم برای ارائه چهره یک ملت شاهد و حاضر در صحنه را داشته باشند، بر سر کار خواهد آورد. بنابراین، این «استبدال» و جایگزینی در صورتی که امت اسلام، شرایط حتمی «امت شهید» بودن را احراز نکنند، قطعی و لازم‌الاجرا است؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِلَّا تَنْفَرُوا يَعْذِبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ...» (توبه: ۳۹) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» (مائده: ۵۴).^{۱۲}

سنت شکست‌ناپذیری رسالت آسمانی

قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

اگر برای جهاد بیرون نروید، خدا شما را به عذابی دردناک شکنجه می‌کند و گروهی دیگر را جایگزین شما می‌سازد و شما (نمی‌توانید) آسیبی به او برسانید و خداوند بر هر چیز تواناست. (توبه: ۳۹)

از این آیه شریفه به دست می‌آید که رسالت آسمانی که پیامبران در پی تحقق آنند، تحت سیطره اقبال و ادبار امت‌ها نیست. اگر امت‌ها به رهبران دینی و آسمانی خیانت کنند و در

مسیر حق و عدالت گام بردارند و در مبارزه با باطل از خود سستی نشان دهند، خداوند امت دیگری را جایگزین آنها خواهد کرد که رسالت آنها را تعقیب کند و دین خدا را یاری رساند. همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از شما هر کس که از دینش بازگردد، سپس خداوند گروهی دیگر را خواهد آورد که دوستش بدارند و او (نیز) آنان را دوست بدارد؛ در برابر مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران تند و خشن باشند؛ در راه خداوند جهاد کنند و از سرزنش هیچ نکوهش‌گری پروا نداشته باشند. این موهبت خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد و خداوند گشایش‌بخش داناست. (مانده: ۵۴) ^{۱۲}

شهید صدر پس از بیان این مطلب که قرآن کتاب دگرگون‌سازی است و تغییر و تحول در بُعد عملی به دست انسان‌هایی است که آنها خود تحت سلطه قوانین تاریخ قرار دارند، به ضرورت ترسیم این قوانین برای هدایت انسان‌هایی که قصد تحول دارند اشاره می‌کند:

قسمت عملی برنامه تغییر و تحول (خروج از ظلمت به نور) یعنی بخش انسانی که باید این برنامه را در خود پیاده کند، در برابر سنت‌ها و قوانین تاریخ تسلیم و مطیع است. از این‌رو، قرآن کریم باید در این زمینه رهنمودها و ترسیم‌هایی داشته باشد تا چهارچوب کلی نظریه قرآنی و اسلامی در خصوص سنت‌های تاریخ مشخص شود. ^{۱۳}

اصل سنت‌مندی تاریخ در قرآن

در قرآن به گونه‌های مختلف به سنت‌مندی تاریخ اشاره شده است. یکی از آیاتی که اصل سریان سنت‌های تاریخ را در میان امت‌های گذشته بیان می‌کند، این آیه است: «پیش از شما سنت‌هایی بوده است. پس در روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان - دین و پیامبر خدا - چگونه بوده است.» (آل عمران: ۱۳۷)

این آیه، هم بر [جریان] سنت‌ها و قوانین تاریخ تأکید دارد و هم بر پیگیری و پژوهش حوادث و رویدادهای تاریخی به منظور کشف و استخراج آن سنت‌ها و قوانین و عبرت گرفتن از آن حوادث و رویدادها پافشاری می‌کند. ^{۱۵} در برخی آیات مصداق‌هایی از سنت بیان و تصریح شده است که این جزو قوانین تغییرناپذیر الهی است. «پیش از تو رسولانی مورد تکذیب واقع شدند. پس در برابر این تکذیب و اذیت و آزاری که شدند صبر و شکیبایی کردند تا آن‌گاه که یاری ما به آنان رسید. کلمات خدا را تغییردهنده‌ای نیست و پاره‌ای از اخبار پیامبران برای تو رسیده است.» (انعام: ۳۴)

این آیه برای رسول خدا توضیح می‌دهد که بر او سنت و قانونی جاری است که پیامبران گذشته نیز که با تجربه او آمیزش داشته‌اند و در معرض آن سنت و قانون بوده‌اند، بزودی نصر و یاری و پیروزی نهایی نصیبشان خواهد شد؛ ولی نصر و یاری و پیروزی نهایی شرایطی مانند

صبر، پایداری، ثبات قدم و غیره دارد و از آنجا که تنها راه رسیدن به این نصر یا تحصیل این یاری و پیروزی، همین صبر و مقاومت است، می‌فرماید: «فَصَبِّرُوا عَلَى مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ...» (انعام: ۳۴).^{۱۶}

شهید صدر معتقد است «کلمه» در آیه مزبور نشانگر یک قانون و رابطه و سنتی تغییرناپذیر است. از این‌روی، رابطه بین صبر و استقامت در راه دعوت الهی و نصرت و پیروی الهی را مصداقی از سنت می‌شمارد:

بنابراین، خدا پیامی و «کلمه‌ای» دارد که در طول تاریخ هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آن نیست و این پیام و «کلمه» بدون تغییر و تبدیل عبارت است از رابطه استوار و پیوند مستقیمی که بین نصر و پیروزی و یاری خداوند با مجموعه‌ای از شرایط و قضا یا برقرار است و در خلال آیات پراکنده‌ای توضیح داده شده و به طور اجمالی در اینجا گردآوری شده است.^{۱۷}

سپس به آیات ذیل به منزله نمونه‌ها و مصداق سنت استشهاد می‌کند: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا رَأَوْهُمْ إِلَّا نْفُورًا. اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۲ - ۴۳).

«وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلْيًا وَلَا نَصِيرًا. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَا تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا...» (فتح: ۲۲ - ۲۳).^{۱۸}

این آیات اصل قانونمندی تاریخ را به طور صریح بیان می‌کند.

قرآن و ترغیب به کشف قوانین تاریخ

شهید صدر می‌فرماید:

در بررسی قرآن مجید به آیات دیگری برخورد می‌کنیم که مسئله کاوش، مطالعه و اندیشیدن درباره حوادث و رویدادهای تاریخی را به منظور تحصیل یک نظریه مبتنی بر استقراء و با هدف استخراج و کشف قوانین و سنن، مورد تأکید و تحریض و ترغیب قرار می‌دهند. آیات زیر در همین زمینه است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهُمْ» (محمد: ۱۰). «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (یوسف: ۱۰۹). «فَكَأَيُّ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبُئِرٌ مَعَطَّلَةٌ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۲۲ / ۴۵ - ۴۶).^{۱۹}

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ» (ق: ۵۰ / ۳۷ - ۳۶).

از مجموع این آیات ... [به دست می‌آید] قرآن به نحوی مؤکد بیان می‌کند که صحنه تاریخ دارای قوانین و سنن و ضوابطی است؛ درست مانند دیگر صحنه‌ها و میدان‌های جهان هستی که آیین‌ها و سنت‌های خاص خود را دارند.^{۲۰}

پیشگامی قرآن در هشدار به قانونمندی و دعوت به کشف سنت‌های تاریخ

از منظر شهید صدر، قرآن اولین کتاب آسمانی است که بشر را به سنت‌مندی تاریخ هشدار می‌دهد و تشویق به کشف آنها می‌کند، و آنچه توجه دنیای غرب به این مقوله را نشان می‌دهد، متأخر و مرهون تأثر از هشدارهای قرآنی است. به دیگر سخن، این مفهوم قرآنی، گشایش و فتح بزرگی از ناحیه این کتاب مقدس به شمار می‌آید؛ زیرا قرآن نخستین کتابی است که در دنیای فرهنگ و معارف بشری، بر این مفهوم - یعنی قانونمند و سنت‌دار بودن تاریخ - تأکید کرده، و اصرار بر قطعیت، اطلاق و شمول آن دارد و از هر وسیله قانع‌کننده و تفهیم‌کننده‌ای استفاده کرده است تا در برابر نظریه بی‌حساب بودن رویدادهای تاریخی یا نظریه اسلامی مستند کردن تفسیر رویدادها و حوادث تاریخ به جهان غیب ایستادگی کند.^{۲۱}

به تعبیر شهید صدر، انسان عادی و ابتدایی، زمانی حوادث و رویدادهای تاریخ را در قالب یک توده متراکم، بر پایه تصادف و اتفاق تفسیر می‌کرد و گاهی بر اساس قضا و قدر و تسلیم‌پذیری در برابر اوامر خداوند متعال مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؛ قرآن کریم خرد و اندیشه بشر را در این جهت بیدار می‌کند که صحنه تاریخ، سنت‌ها و قوانینی دارد و تو به عنوان یک انسان برای آنکه انسانی فعال، کارا و مؤثر باشی، باید آن سنن و قوانین را کشف کنی ... تا بتوانی حاکم بر آنها باشی وگرنه محکوم آن سنن و قوانین خواهی شد...

این فتح و گشایش پیراجی که قرآن کریم بیان می‌کند، همان زمینه‌ای است که فکر بشر را بیدار کرد و چند قرن بعد بدین ضرورت نائل آمد که حتماً بکوشد تا تاریخ را به صورت علمی بفهمد و این در شرایطی بود که هشت قرن از نزول قرآن می‌گذشت. شروع بدین ضرورت نیز به دست خود مسلمانان صورت گرفت چه این‌خلدون به تلاش در خصوص بررسی تاریخ و کشف سنن و قوانین آن پرداخت و حداقل چهار قرن بعد، فکر و اندیشه اروپاییان در آغاز باصطلاح نهضت بدین سو گرایید که همان مفهوم قرآنی را که مسلمان گم کرده و نتوانسته بودند در اعماق آن فرو برونند به دست آورند.^{۲۲}

از منظر این فیلسوف قرآنی تاریخ «این مفهوم قرآنی را مکتب‌های فکری غرب در اوایل دوران نهضت فرا گرفت و بحث‌ها و پژوهش‌های متنوع و مختلفی پیرامون شناخت تاریخ و فهمیدن سنت‌ها و قوانین تاریخ در آنجا آغاز شد. بر این اساس، گرایش‌های ایدئالیستی، ماتریالیستی و میانه‌رو و مکتب‌های فکری متعددی پدید آمد که هر یک از آنها در جهت تبیین و تعیین قوانین و سنت‌های تاریخ تلاش و کوشش می‌کرد. شاید ماتریالیسم تاریخی مشهورترین این مکتب‌ها و گسترده‌ترین و

مؤثرترین آنها در خود تاریخ به شمار آید. بنابراین، همه این جدّ و جهدهای انسانی در حقیقت ادامه همان بیدارسازی است که قرآن انجام داد و این مجد و عظمت اختصاصاً متعلق به قرآن است که برای نخستین بار این طرز تفکر را در صحنه بینش و شناخت بشر مطرح کرد.^{۲۳}

ضرورت آگاهی از سنن الهی

شاید برخی گمان کنند دانستن سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ ضرورتی ندارد؛ این سنت‌ها چه ما بدانیم و چه ندانیم و چه بخواهیم و چه نخواهیم، در تاریخ جریان دارد و علم و جهل ما درباره آنها در اعمال و رفتار و سرنوشت ما نقشی ندارد. شهید صدر این تفکر را نپذیرفته، معتقد است آگاهی از قوانین حاکم بر تاریخ و استثنانپذیر بودن آنها موجب می‌شود انسان توقعات و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کند و در مسیر زندگی به سعادت نایل آید و انرژی و نیرویش تلف نشده و توقع نابجا و خلاف قانون حاکم بر تاریخ از خدا نداشته باشد. از هنگام بیان سنت امداد الهی و پیروزی اهل حق در صورت استقامت و تحمل شدايد می فرماید:

پیروزی و یاری خداوند نزدیک است؛ ولی راه مخصوصی دارد (قرآن می‌خواهد اینطور بگوید) چه، یاری خدا و پیروزی، یک امر بخشیدنی نیست، به طور اتفاقی و تصادفی هم حاصل نمی‌شود. یک پدیده کور و بی‌هدف هم نیست. پیروزی و یاری خدا نزدیک است؛ ولی به جاده آن هدایت شو؛ همان جاده‌ای که باید بدانی سنت‌ها و قوانین تاریخ بر آن حاکم است و باید بپذیری که منطق تاریخ در آن جاری است. اینها را باید بدانی و باور کنی تا بتوانی نصر و یاری خداوند متعال را فراهم آوری.

گاهی ممکن است که دارو نزدیک بیمار باشد؛ اما اگر بیمار از آن معادله علمی که ثابت کند این دارو میکروب بیماری‌اش را می‌کشد و از بین می‌برد، مطلع نباشد، نخواهد توانست این دارو را هر چند که نزدیکش هم باشد، مصرف کند. بنابراین، آگاهی از سنت‌ها و آیین‌های تاریخ است که امکان پیروزی را در اختیار انسان قرار می‌دهد.^{۲۴}

تمایز قوانین تاریخ با سایر علوم از حیث طرح در قرآن

از منظر شهید صدر «سنن و قوانین تاریخ با قوانین فیزیک، شیمی، هیأت و علوم جانوری و گیاهی تفاوت دارد؛ چه اینکه این‌گونه سنت‌ها و قانون‌ها داخل در محدوده تأثیر مستقیم روی کار تاریخ نیستند؛ ولی آن قوانین و سنن [تاریخی] مستقیماً روی کار تغییر و دگرگون‌سازی - در بعد انسانی و بشری - تأثیر دارند. بدین لحاظ، ناگزیر باید از قرآن این انتظار را داشته باشیم که در این خصوص، خطوط کلی و نظریات عمومی را ارائه دهد».^{۲۵}

محدوده طرح قوانین تاریخ در قرآن

شهید صدر پس از بیان ضرورت ترسیم قوانین حاکم بر تاریخ در قرآن برای دگرگون‌سازی جامعه، انتظار کشف تمام جزئیات تاریخ و قوانین آن را امری ناشایست می‌داند:

این نیز شایسته نیست که متوقع باشیم قرآن به یک کتاب درسی در زمینه علم تاریخ و قوانین مبتدل شود؛ به گونه‌ای که تمام جزئیات و موارد تفصیلی تاریخ و قوانین آن را - حتی آن جزئیات و مواردی که پیامبر ﷺ در کار تطوّر و تحوّل جامعه به انجام آنها مبادرت نورزید - را در برداشته باشد ... قرآن در محدوده دگرگون‌سازی عملی جامعه، پیام‌های خود را در ارتباط با صحنه تاریخ بیان می‌کند و سنت‌ها و قوانین تاریخ را در حدّی که اقدامات عملی پیامبر ﷺ برای دگرگون‌سازی را روشن کند و به میزانی که توجیه‌کننده، هدایتگر و آفریننده یک بصیرت و آگاهی مناسب جهت رویدادها، شرایط و اوضاع و احوال باشد، بیان می‌دارد.^{۲۶}

این سخن بیانگر آن است که از منظر این دانشمند بزرگ، همه قوانین حاکم بر تاریخ در قرآن بیان نشده است؛ بلکه تنها قوانینی را که دانستن آنها موجب می‌شود عناصر انقلابی اقدام‌های پیامبر ﷺ در جهت تحوّل را درک کنند و خود نیز با توجه به همین قوانین در جهت اصلاح جوامع عمل کنند، طرح کرده است. بنابراین، سنت‌ها و تاریخ‌های بیان‌شده در قرآن توجیه‌گر حرکت رسول خدا ﷺ و چراغ فروزانی برای رهروان راه او به شمار می‌آیند؛ اما تمام سنت‌های تاریخ را تشکیل نمی‌دهند، و امکان یافتن و راه کشف سنت‌های دیگر برای محققان باز است.

سنت‌های تاریخی در قرآن

شهید صدر بعد از بیان امکان و ضرورت طرح قوانین تاریخ در قرآن، برای هدایت و راهنمایی انسان‌های اهل حق در جهت اصلاح اجتماعی و خروج مردم از ظلمات به سوی نور، اصل قانونمندی تاریخ از منظر قرآن را مسلم گرفته و به گونه بیان قوانین حاکم بر تاریخ در قرآن می‌پردازد. ایشان سه شیوه بیان را در قرآن معرفی می‌کند، و پس از آن، به برخی از سنت‌های حاکم بر تاریخ اشاره می‌کند:

قرآن مجید طی آیات مختلفی، به زبان‌های متفاوت و متعدّد در مقام توضیح و متبلور ساختن این حقیقت که تاریخ قوانین و سنی دارد برآمده است...

۱. در پاره‌ای از آیات با ریخت و ساختار کلی آمده است، یعنی به طور کلی به سنت تاریخی معینی اشاره شده است.

۲. در برخی از آنها در سطح عمومی یعنی به صورت مورد و مصداق و نمونه مطرح شده است.

۳. و در گروه سوم از آیات، وادار کردن به استقرای شواهد تاریخی و کاوش و جست‌وجوی استقرایی آنها به منظور دست یافتن به سنت تاریخی دیده می‌شود.^{۲۷}

در ظاهر شهید صدر درصدد بیان و ارائه شواهد قانونمندی تاریخ از منظر قرآن است؛ ولی در عمل پس از بیان شیوه بیان سنت‌مندی تاریخ در قرآن مجید، به شرح برخی سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ به شیوه اول و دوم می‌پردازد.

الف) بیان سنت بصورت معین

شهید صدر چند سنت ذیل را به منزله مصداق‌های معین بیان یک سنت در قرآن معرفی می‌کند.

۱. «اجل» همگانی یک جامعه

برخی از آیات قرآن مجید از مرگ امت‌ها خبر می‌دهند و یکی از سنت‌های الهی را نابودی امت‌ها مطرح می‌کنند؛ یعنی همان‌گونه که عمر هر انسانی آغاز و انجامی دارد، جوامع نیز عمر داشته و پس از پایان یافتن عمرشان، به مرگ مبتلا می‌شوند. به این دو آیه توجه کنید:

«لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ» (یونس: ۴۹).

«وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴).

در این دو آیه شریفه ملاحظه می‌کنیم که «اجل» به «امت»، یعنی به وجود دسته جمعی توده مردم نسبت داده شده است و نه به این یا آن فرد خاص. بنابراین، غیر از اجل فردی، یعنی مقطع زمانی محدود و حتی انفرادی که هر انسانی به مثابه یک فرد دارد، اجل و موعد دیگری هم هست که با وجود دسته جمعی افراد مرتبط است و این وجود دسته جمعی، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که افراد آن یک امت واحد قومی بوده؛ از طریق روابط و پیوندهای مبتنی بر اصول و آرمان‌های برخاسته از نیروها و استعدادهاشان با یکدیگر تماس و ارتباط دارند. قرآن از جامعه‌ای با این شرایط و مشخصات تعبیر به «امت» می‌کند^{۲۸} و آن را دارای مرگ و زندگی و حرکت می‌داند.^{۲۹}

غیر از دو آیه یاد شده، آیات ذیل نیز دارای همین پیام هستند:

«وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ * مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ» (حجر: ۳-۴)؛ (هیچ جامعه‌ای را نابود نکردیم مگر اینکه دارای سندی مشخص بود. هیچ امتی از اجل خود به پیش و پس نمی‌افتند).

«مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ» (مؤمنون: ۴۳).

بدین ترتیب، همان‌گونه که می‌بینیم، یک فرد به دلیل اینکه حرکت و پویایی دارد، پس زنده است و سپس می‌میرد. جامعه و امت نیز واحدی زنده است و سپس گرفتار مرگ و نابودی می‌شود و همان‌گونه که مرگ یک فرد، تابع و تحت تأثیر قانون و اجل و سنت معینی است که فرا می‌رسد، امت‌ها و جامعه‌ها نیز دارای اجل‌ها، مواعدها و مقاطع زمانی دقیق و معینی هستند و قوانین و سنت‌هایی وجود دارد که اجل هر امت یا جامعه را تعیین می‌کند.^{۳۰}

۲. سنت مرگ و زندگی جوامع

بازگشت این سنت همان‌گونه که خود شهید صدر در انتها اشاره می‌کند، به همان سنت اجل جوامع است؛ لکن از آنجا که مؤلف آن را به صورت جداگانه مطرح کرده است، ما نیز از همین روش استفاده می‌کنیم:

آیا در حقیقت آسمانها و زمین و هر چیز که خدا آفریده است ننگریسته‌اند و (نمی‌اندیشند که) شاید اجل و موعدهشان نزدیک شده باشد، پس به چه سخنی غیر از این ایمان می‌آورند. (اعراف: ۱۸۵)

ظاهر این آیه به اجل و مقطع زمانی و موعدی اشاره می‌کند که انتظار می‌رود نزدیک باشد یا مردم را تهدید می‌کند و اخطار می‌دهد که نزدیک است و فاصله چندانی ندارد. این همان اجل اجتماعی و موعد و مقطع زمانی جامعه است، نه اجل فردی؛ زیرا یک جامعه همگی معمولاً یکجا و در یک وقت نمی‌میرند و این جامعه بر اساس وجود معنوی و کلی خود ممکن است اجلس نزدیک شود. پس اجل اجتماعی، حالتی است دامنگیر یک جامعه؛ نه عارض بر این فرد یا آن شخص. دلیل آن هم این است که اگر با عینک فردی مردم را مورد بررسی قرار دهیم و به مثابه یک فرد مطالعه کنیم، معمولاً اجل فردی هر کس با دیگری تفاوت و اختلاف دارد؛ ولی اگر با عینک اجتماعی به مردم بنگریم و آنان را به عنوان یک مجموعه واحد مربوط به یکدیگر در ظلم و عدل و شادی و غم در نظر بگیریم، یک اجل و یک مقطع زمانی بیشتر نخواهد داشت. این همان اجل اجتماعی و موعد محتمم یک جامعه است. بدین ترتیب، آیه شریفه‌ای که مطرح شد نیز از نظر دلالت در سیاق آیات پیشین قرار می‌گیرد.^{۳۱}

۳. سنت کيفر دنيوی جوامع

شهید صدر با استشهداد به برخی آیات معتقد است جوامع در همین دنیا عذاب می‌شوند و این عذاب تنها شامل کسانی که مرتکب اعمال ظالمانه شده‌اند، نمی‌شود؛ بلکه حتی بی‌گناهان را نیز دربرمی‌گیرد.

پروردگارت آمرزنده و پر مهر است. اگر آنان را به دستاوردهایشان مؤاخذه کند، در عذابشان تسریع خواهد کرد؛ اما موعدی دارند و غیر از او پناهگاهی نخواهند یافت، و آن جوامع را چون ستم کردند، نابودشان کردیم و برای نابودی‌شان موعدی مقرر داشتیم». (کهف: ۵۸ - ۵۹)^{۳۲}

یا اینکه می‌فرماید:

اگر خداوند مردم را به دستاوردهایشان مؤاخذه می‌کند، بر پشت زمین جنبه‌های را و نمی‌گذاشت؛ ولی آنان را تا موعد مقرر به تأخیر می‌اندازد. پس چون موعدهشان فرا رسد، به یقین که خداوند به بندگانش بیناست». (فاطر: ۴۵)

از این آیه شریفه می‌توان استفاده کرد که تاریخ و جامعه غیر از تک‌تک افراد، بر اثر اعمال ناشایست خود مستوجب عذاب خواهند شد. در چنین صورتی وقتی عذاب الهی نازل می‌گردد، کل جامعه را در بر می‌گیرد.^{۳۳}

قرآن کریم در این دو آیه شریفه از آن سخن به میان آورده است که اگر خداوند متعال می‌خواست مردم را به سبب ناروایی‌ها و ظلم و ستم‌هایی که مرتکب شده‌اند و به خاطر آنچه انجام داده‌اند و حاصل کار زشت و نکوهیده‌شان، مورد بازخواست و مؤاخذه قرار دهد، در سطح همه توده‌های مردم هیچ جنبنده‌ای را فروگذار نمی‌کرد؛ یعنی همه را نابود و هلاک می‌فرمود.

سپس یک پرسش مقدر را مطرح کرده و به آن پاسخ می‌دهد: «تصور این مفهوم قرآنی که از آیات مذکور استفاده می‌شود، شاید دشوار باشد؛ چرا که همه مردم معمولاً ستمگر و ظالم نیستند. در میان همین مردم، پیامبران، امامان و جانشینان آن بزرگواران نیز وجود دارند. پس آیا می‌توان موضوع را به پیامبران و پیشوایان عادل و صالح مؤمنان تعمیم داد و آن شخصیت‌های والا را نیز مشمول هلاک و نابودی تصور کرد؟»^{۳۴}

شهید صدر در پاسخ به این پرسش ابتدا می‌فرماید شمول این آیه موجب شده است تا برخی با استشهادهای این دو آیه، از اصل عصمت انبیاء انتقاد کنند و به دنبال آن، به عذاب اخروی انبیا تن دهند.^{۳۵} ولی ایشان معتقد است این آیات ناظر به عذاب دنیوی جوامع است و عذاب دنیوی جوامع بر خلاف عذاب اخروی، به تصریح قرآن مجید، شامل بی‌گناهان نیز می‌شود و با عصمت انبیا و امامان علیهم‌السلام منافاتی ندارد. آنچه با عصمت منافات دارد، عذاب فردی اخروی است که تنها بر اثر گناه و عصیان محقق می‌شود. از این‌رو، می‌فرمایند: «حقیقت امر این است که این دو آیه سخن از کیفر دنیایی می‌گویند نه عقوبت و کیفر در آخرت».^{۳۶}

تفسیر شهید صدر درباره شمول عام عذاب بر همه افراد جامعه در دو آیه شریفه (کهف: ۵۸ - ۵۹ و فاطر: ۴۵) بدین صورت است:

سخن از نتیجه طبیعی و پیامد قهری دستاوردهای یک امت و یک جامعه از کانال ستم و سرکشی و طغیان است که در چنین صورتی، این پیامد طبیعی صرفاً دامنگیر فقط یک گروه خاص از آن جامعه یعنی ظالمان و ستم‌پیشگان نخواهد بود؛ بلکه همه افراد و اعضای آن را با آنکه هویت هر یک از آنان و نحوه رفتار و سلوک آنان مانند یکدیگر نیست، دربر می‌گیرد. ما می‌بینیم آنجا که ملت بنی‌اسرائیل به علت ظلم و طغیان و تمردی که مرتکب شده است، گرفتار و فاجعه سرگردانی و راه گم‌کردن می‌شود، این تنها ستمگران و ظلم‌پیشگان از بنی‌اسرائیل نیستند که بدین بلا در می‌افتند، بلکه این بلا و گرفتاری شامل شخصیتی چون موسی^{۳۷} هم می‌شود که پاک‌ترین، وارسته‌ترین و دلیرترین مردم در صحنه رویارویی با ظلم و طاغوت‌ها بود.

شهید صدر در ادامه به ابتلای جامعه اسلامی به خلیفه ظالمی چون یزید بر اثر انحراف و کجروی مثال می‌زند:

کسی مانند یزید بن معاویه بر مسند خلافت و حکومت آن تکیه می‌زند و بر خون و مال و ناموس و عقایدشان فرمانروایی می‌کند. این فاجعه و این بلا در آن هنگام فقط بر سر ظالمان و بدکاران از جامعه مذکور فرود نیامد؛ بلکه حتی شامل امام حسین^ع نیز شد که پاک‌ترین، بهترین، وارسته‌ترین و عالی‌ترین مردم بود. آری، فاجعه حکومت عنصر فاسدی چون یزید، امام معصومی چون امام حسین^ع را نیز در تنگنا قرار داد و آن بزرگوار و یاران و خاندانش را گرفتار آن کشتار بی‌رحمانه و قساوت‌آمیز ساخت.^{۲۸}

سپس برای صحت مدعای خود به دو آیه دیگر از قرآن استشهاد می‌کند: «بر اساس این منطق و این سنت، چون در دنیا بر جامعه‌ای عذابی وارد شود، قانون و سنت تاریخ چنین ایجاب می‌کند که این عذاب فقط شامل بدکاران و ستمگران آن اجتماع نمی‌شود و همه طبقات را فرا می‌گیرد و از همین روست که قرآن کریم می‌فرماید: بپرهیزید از آشوبی که البته تنها به ستم‌پیشگان شما نمی‌رسد و بدانید که خداوند سخت کیفردهنده است. (انفال: ۲۵)

شهید صدر این آیه را با آیه شریفه «هیچ حاملی بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد» (فاطر: ۱۸) مقایسه کرده، نتیجه می‌گیرد که کیفر آخرت همواره بر سر عامل مستقیم گناه وارد می‌شود؛ ولی کیفر دنیایی حوزه‌ای گسترده‌تر را فرا می‌گیرد و سطحی وسیع‌تر از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، دو آیه کریمه‌ای که مطرح شد [کهف: ۵۸ - ۵۹ و فاطر: ۴۵] سخن از سنت‌های تاریخی می‌گویند نه از عقوبت و عذاب اخروی یا کیفر بر اساس موازین و مقیاس‌های روز رستاخیز.^{۲۹}

۴. فروپاشی جوامع بر اثر طرد پیامبران

به باور شهید صدر، یکی از سنت‌های معین در قرآن، سنت فروپاشی جوامع بر اثر طرد انبیای الهی است. البته مقصود ایشان از فروپاشی، همان از بین رفتن انسجام اجتماعی آنهاست. ایشان برای اثبات مدعای خود به آیه ذیل استشهاد می‌فرماید: «نزدیک بود که تو را از آن سرزمین آواره کنند تا بیرون سازند و در آن صورت چیزی پس از تو نمی‌زیستند. سنت فرستادگان ما پیش از تو نیز همین بود و در سنت ما تغییری نمی‌یابی» (اسراء: ۷۷ - ۷۶) سپس در تبیین این سنت در آیه مزبور می‌فرماید:

مردم مکه تلاش می‌کنند تو را از آنجا برکنند تا آن دیار را ترک گویی؛ چرا که از نابود کردن تو و سخن و پیام و دعوت و مأموریت تو ناامید شده‌اند و بدین جهت یک راه بیشتر برای آنان نمانده است و آن اینکه تو را از مکه بیرون کنند... در چنین حالتی، مخالفان، دیری نخواهند پایید و زود از بین خواهند رفت. منظور از دیر نپاییدن و زود از میان رفتن این نیست که عذابی از آسمان بر آنان نازل خواهد شد؛ چه اینکه مردم مکه پس از نزول این آیه شریفه، او را در خصوص ادامه اقامت در آن شهر به تردید و

وحشت انداختند و به دنبال آن، پیامبر از مکه خارج شد. او که در مکه پناهگاه و امنیتی نداشت، آن شهر را به مقصد مدینه ترک کرد و عذابی هم از آسمان بر اهل مکه نازل نشد.

مقصود از دیر نیابیدن - به احتمال بیشتر - این است که آن مردم پس از اخراج رسول خدا^ﷺ به صورت یک جمعیت مخالف مقاوم باقی نماندند؛ یعنی موقعیت اجتماعی آنان - و نه موقعیت مردمی و بشری آن جامعه - در هم خواهد ریخت و نتیجه عمل ناپسند آنان - که طرد و اخراج پیامبر باشد - فرو پاشیدن کیان اجتماعی و از بین رفتن انسجام و هم‌گرایی آن جمعیت خواهد بود. در این صورت، دیری نخواهد پایید؛ چرا که این پدیده نبوت که مخالفان و دشمنان متشکل آن نتوانستند محاصره‌اش کنند، بزودی مخالفان و دشمنانش را به عنوان یک هدف به لرزه و تزلزل خواهد افکند و آن جامعه را تکان خواهد داد و این موضوعی بود که عملاً به وقوع پیوست.

مردم مکه پس از اخراج و طرد رسول خدا^ﷺ از آن شهر، دیری نپاییدند و طولی نکشید که مکه موقعیت خود را به عنوان کانون مبارزه و مخالفت با آن حضرت، از دست داد و سالی چند نگذشت که تبدیل به بخشی از دارالاسلام شد و در قلمرو دولت اسلامی جا گرفت. این است که آیه شریفه مورد بحث یکی از سنت‌های تاریخی را مطرح می‌کند و با تأکید می‌گوید: «وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا؛ در سنت ما تغییری نمی‌یابی».^{۲۰}

ب. بیان سنت در قالب مصداق

شهید صدر به برخی از سنت‌ها اشاره می‌کند که در قرآن به صورت مصداق بیان شده است:

۱. سنت تأثیر زیربنایی انسان در تغییرهای اجتماعی

برخی مکتب‌های بشری اراده و اختیار انسان را مقهور اراده و اختیار جامعه، و اراده افراد را محکوم اراده جامعه و تاریخ می‌دانند. به دیگر سخن، افراد را روبنا و جامعه و تاریخ را زیربنای تغییرهای تاریخ می‌شمارند.^{۲۱} لکن شهید صدر معتقد است از منظر قرآن یکی از سنت‌های الهی در تاریخ این است که تغییرهای اجتماعی به دست انسان‌ها و با اراده و اختیار افراد انجام می‌شود، نه جامعه و تاریخ. بنابراین، نه تنها اراده افراد محکوم اراده جامعه نیست، بلکه انسان‌ها سنگ‌بنای تغییرهای اجتماعی به شمار می‌آیند. به این آیه توجه کنید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد: ۱۱).

شهید صدر با توجه به آیه مزبور می‌فرماید: «محتوای درونی و روانی و فکری انسان زیربنا، و وضع اجتماعی روبنا را تشکیل می‌دهند. این روبنا جز به تبع تغییر در پایه و دگرگونی در زیربنا، تغییر و دگرگونی نخواهد پذیرفت.

آیه اخیر رابطه بین وضع روحی، معنوی و فکری انسان با وضع اجتماعی، و به سخن روشن تر رابطه بین درون و بیرون انسان را مطرح می کند. بیرون انسان را عوامل درونی او می سازد و با درون مرتبط است. از این روی، اگر درون جامعه تغییر کند، وضع خارجی و برونی جامعه و مناسبات اجتماعی و معیارهای برقراری روابط اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر نیز تغییر خواهد یافت و دگرگون خواهد شد. پس این یک سنت تاریخی و یکی از قوانین و آیین های تاریخ است که پایه و زیربنا را با روپنا پیوند می دهد. به این آیه شریفه نیز توجه کنید:

« ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (انفال: ۵۳).^{۴۲}

۲. سنت یاری و نصرت اهل حق

خداوند می فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّْا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتَمُ الْبِأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره: ۲۱۴).

شهید صدر بر این باور است که این آیه بیانگر سنت یاری و نصرت الهی به مؤمنان پس از تحمل سختی ها و استقامت در راه حق است و بر این نکته تأکید می کند که نصرت الهی و پیروزی و راه یافتن به بهشت برای هر امت مؤمنی حاصل نمی شود؛ بلکه تنها برای کسانی حاصل می شود که در راه حق استقامت، و سختی های تکان دهنده را تحمل می کند از این روی، می فرماید:

در اینجا قرآن این مسئله را که مسلمانان امیدوار باشند سنت تاریخ درباره آنان استثناپذیر باشد، نفی و انکار کرده، این پرسش را مطرح می کند که آیا با توجه به اینکه شما به آن شرایط زیستی که جامعه های پیشین (که پیروز شدند و به بهشت دست یافتند) با همه سختی ها و فشارها و ناملایمات در حد زلزله و تشنج شدید - به تعبیر قرآن - که گرفتار آمدند، دچار نشده اید که این طمع را در دل می پرورانید سنت و قانون و آیین تاریخ درباره شما استثنا قائل شود و پیروز و کامیاب وارد بهشت شوید؟^{۴۳}

سپس می فرماید:

حالاتی دشوار و طاقت فرسا چون «بأساء» (جنگ) و «ضراء» (قحطی) که در صورت گسترده تر و عمیق تر شدن به سطح زلزله و تکان های شدید جامعه را متلاطم می کند، در حقیقت به منزله مدرسه یک جامعه و امتحان و آزمایشی از اراده و تصمیم یک ملت و امت است تا میزان مقاومت و ثبات و پایداری آن به محک تجربه درآید و به تدریج بتواند قدرت و توان لازم برای «امت وسط» شدن در جهان و در میان مردم جهان را به دست آورد.^{۴۴}

۳. مبارزه پیامبران با خوش‌گذرانان

شهید صدر معتقد است یکی از سنت‌های تاریخ مبارزه پیامبران و مترفان و مسرفان است. ایشان در دو بخش کتاب به این سنت می‌پردازد؛ ابتدا در بحث سنت‌هایی که در قالب مصداق بیان شده‌اند و سپس در بحث سمبل‌های ساختگی. ایشان در این باره به آیات متعددی که بیانگر درگیری این گروه با پیامبران است استشهاد می‌کند: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (سبأ: ۳۵-۳۴).

در طول تاریخ رابطه‌ای نیز بین مقام نبوت و موقعیت اعیان و اشراف و خوش‌گذرانان و اشراف‌پیشگان هر جامعه و ملتی وجود داشته است. این رابطه یک سنت تاریخی و یکی از قوانین و آیین‌های تاریخ را می‌نمایاند و نه یک پدیده را که به طور مقطعی و تصادفی در تاریخ روی داده باشد؛ زیرا اگر تصادفی و اتفاقی بود و سنت همیشه تاریخ نبود، به صورت کلی و فراگیر مطرح نمی‌شد: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا...»^{۴۵}.

بنابراین، یک رابطه منفی در حد طرد و نفی و تعارض بین موقعیت اجتماعی نبوت و موقع اجتماعی مترفان وجود دارد. در حقیقت، این رابطه به نقش پیامبری در جامعه و نقش اعیان و اشراف خوش‌گذران و اشراف‌پیشه در جامعه بستگی دارد. در واقع، بخشی از یک دید کلی و موضوعی یک جامعه را تشکیل می‌دهد... نقیض طبیعی امر نبوت و پیامبری، عبارت است از جایگاه و موقعیت اجتماعی اعیان و اشراف و خوش‌گذرانان.

در آیه شریفه زیر نیز خداوند می‌فرماید:

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا. وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَ كَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء: ۱۷ - ۱۶). در این آیه نیز رابطه‌ای معین میان ظلم و ستمی که غلبه و سیطره می‌یابد با نابودی و هلاکتی که جامعه شدیداً به سوی آن کشیده می‌شود، مطرح شده است. این رابطه نیز - همان‌گونه که آیه مزبور تأکید می‌کند - رابطه‌ای مطلق و فراگیر در طول تاریخ است که سنتی از سنن و قوانین تاریخ را تشکیل می‌دهد»^{۴۶}.

ایشان با استناد به اینکه دین نابودگر سمبل‌های دروغین در جامعه و تاریخ است و نابودی سمبل‌های مذکور با منافع اشراف و خوش‌گذران‌ها سازگاری ندارد، می‌فرماید:

درست در همان موقعی که هر یک از این سمبل‌های دروغین در خلال شرایط تغییر و تحول خود - بنحوی که قبلاً شرح دادیم - به یک تندیس تبدیل می‌شود، گروهی از مردم به دلیل اینکه منافع، موجودیت مادی و دنیایی و امکانات عیاشی و خوش‌گذرانی آنان بستگی به بقای آن سمبل تندیس شده پیدا کرده و با آن گره

خورده است، حامیان و مدافعان طبیعی یک سمبل می‌شوند. این گروه که ارتباط مصلحتی و پیوند تاکتیکی با تندیس معینی برقرار کرده‌اند، از این جهت همیشه رودرروی پیامبران می‌ایستند تا از منافع خود و از امور دنیوی و شرایط خوش‌گذرانی و اعیان و اشرافی خویش پشتیبانی کنند.^{۴۷}

شهید صدر معتقد است این درگیری و رویارویی فراگیر تنها یک امر عادی و اتفاقی نیست؛ یعنی این طور نیست که به طور استثنا یک گروه از مترفان در تاریخ با پیامبران همراه گردند؛ بلکه یک سنت استثناپذیر است. از این روی، در ادامه می‌فرماید:

قرآن کریم در همین زمینه پرده از روی یکی از سنت‌ها و قوانین تاریخ برداشته است و آن اینکه پیامبران، همواره با طبقه اشراف و خوش‌گذران جامعه خود به عنوان یک قطب مبارزاتی رویاروی بوده‌اند و این گروه همیشه در مقابل پیامبران جبهه‌گیری و صفا‌رایی کرده‌اند. برای اینکه پرواضح است پس از تغییر حالت یک سمبل و تبدیل آن به یک تندیس، چه کسی از آن بهره‌برداری می‌کند؟ همان کس که در جمع اشراف و خوش‌گذرانان جامعه است و همان اشراف و ثروت‌اندوزانی که به حساب توده مردم عیاشی می‌کنند و وجود آن تندیس را بهانه و توجیه‌کننده وجود خویش در جامعه قرار داده‌اند. بدین ترتیب، طبیعی خواهد بود که این طبقه اعیان و اشراف و خوش‌گذران و این گروه همیشه برخوردار، در خط مخالف پیامبران قرار گیرند و این موضوعی است که ما در این سخنان خداوند متعال ملاحظه می‌کنیم.^{۴۸}

ایشان در این فراز افزون بر آیه ۳۴ و ۳۵ سوره سبأ، به آیات ذیل استشهد می‌فرماید:

«و کذلک ما أرسلنا من قبلك فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا علی أئمه و إنا علی آثارهم مقتدون...».

«سأصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الأرض بغير الحق و إن یروا کل آیه لا یؤمنوا بها و إن یروا سبیل الرشد یتخذوه سیلا ذلک بأنهم کذبوا بآیاتنا و کأنوا عنها غافلین».

«وقال الملأ من قومه الذین کفروا و کذبوا و أترفناهم فی الحیاه الدنیا ما هذا إلا بشر مثلكم یا کل ممآ تأکلون منه و یشرّب ممآ تشرّبون...» (مؤمنون: ۳۳).^{۴۹}

۴. سنت تأثیر عدالت در رفاه اجتماعی

یکی از قوانین حاکم بر تاریخ این است که رعایت تقوا و دستوره‌های دینی موجب افزایش نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود. شهید صدر با استناد به سه آیه مزبور، این سنت را بیانگر تأثیر عدالت در توزیع و عمل به دین در گسترش تولید و رفاه مادی جامعه می‌داند؛ خداوند می‌فرماید:

«و لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجیلَ وَ مَا أَنْزَلْ إلیهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَکَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...» (مائده: ۶۶)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)

«وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶)

این سه آیه نیز از رابطه‌ای معین سخن به میان می‌آورد. این رابطه عبارت است از رابطه بین پایداری و اجرای احکام خدا و پیاده کردن اوامر الهی در صحنه عمل با فراوانی خیرات و برکات و تولید. اگر بخواهیم به زبان امروز مطرح کنیم، باید بگوییم رابطه بین عدالت در توزیع و فراوانی تولید. در اینجا ملاحظه می‌شود که قرآن کریم با تأکید این منطق را مطرح می‌فرماید که اگر در جامعه‌ای عدالت در توزیع حاکم باشد، محصول و نتیجه مستقیم آن، فراوانی تولید خواهد بود.

قرآن، عدالت در توزیع را یک بار با عبارت: «لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا...» و یک مرتبه نیز با عبارت: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا...» و بار دیگر با عبارت: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ...» بازگو می‌کند.^{۵۰}

ایشان پس از بیان این سنت به شرح بیشتر این سنت می‌پردازد:

دلیل این رابطه - یعنی رابطه بین عدالت در توزیع و فراوانی تولید - هم این است که ادیان آسمانی برای برقرار کردن عدالت در توزیع و به منظور ایجاد روابط عادلانه در توزیع آمده‌اند. اگر جامعه، عدالت توزیع را رعایت کند و موازین آن را در نظر بگیرد، نه تنها از جهت ثروت حاصله گرفتار تنگنا نخواهد شد و مردم از این جهت به فقر و تنگدستی نخواهند افتاد، بلکه حتی ثروت و مال و خیرات و برکات جامعه، افزایش هم خواهد یافت؛ ولی مردم چنین می‌پندارند که عدالت در توزیع موجب فقر و تنگدستی مردم می‌شود. در حالی که براساس قانون و سنت تاریخ، حقیقت و واقعیت عکس این برداشت را مورد تأکید قرار می‌دهد. سنت تاریخ به تأکید می‌گوید که پیاده کردن ادیان و مذاهب الهی و آسمانی و کاربرد جدی و محکم دستورها و احکام دینی در روابط توزیع، همیشه و به طور مستمر فراوانی تولید، ازدیاد محصول و افزایش ثروت را به بار می‌آورد و نهایتاً به گشایش درهای خیر و برکت از آسمان و زمین بر روی مردم منتهی می‌شود و این نیز یکی دیگر از سنت‌ها و قوانین تاریخ است.^{۵۱}

نتیجه

در مجموع نوآوری‌های شهید صدر در فلسفه تاریخ از منظر قرآن مجید را که بیشتر حول محور سنت‌های الهی در تاریخ مطرح شده است، بدین شرح می‌توان بیان کرد:

الف) یکی از نوآوری‌های شهید صدر شیوه پاسخ دادن وی به بحث امکان استخراج سنت‌های تاریخی از قرآن است. معمولاً عالمان اسلامی با تکیه بر دستورهای قرآن مجید به عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و بیان آنها و اموری این چنین به اثبات امکان مذکور

می‌پردازند؛ ولی شهید صدر با توجه به هدف از قرآن در دگرگون‌سازی جوامع، توضیح سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ را برای مؤمنان یک ضرورت عقلی می‌شمارد.

(ب) معین کردن محدوده بیان سنت‌های تاریخ در قرآن، از دیگر نوآوری‌های شهید صدر است.
(ج) طرح بحث شیوه بیان سنن تاریخی در قرآن، از دیگر ویژگی‌ها و ابتکارهای ایشان به شمار می‌آید.

(د) طرح بحث و بیان ویژگی‌های سنت‌های الهی از دیگر نوآوری‌های این شهید است؛ به‌گونه‌ای که در آثار دیگر عالمان دینی دیده نشده است و اگر کسانی بعدها آن را مطرح کرده‌اند، با اقتباس از شهید صدر بوده است.

(ه) قرآن برای اولین بار بر قانونمندی تاریخ تأکید ورزیده و بشر را به آموختن و کشف این قوانین و عبرت‌آموزی از آن ترغیب کرده است. در حالی که دنیای غرب چندین قرن بعد از قرآن متوجه این حقیقت شده، و به کشف قوانین حاکم بر تاریخ اهتمام ورزیده است.
(و) هر جامعه‌ای مانند افرادش عمر، مرگ و زندگی دارد و زندگی جوامع به برقراری انسجام اجتماعی‌شان، و مرگ‌شان به تفرقه و جدایی‌شان بستگی دارد.

جوامع افزون بر کیفر اخروی، در این دنیا نیز مورد عقاب و عذاب الهی قرار می‌گیرند. امت‌هایی که از پیامبران‌شان روی برمی‌گردانند، به فروپاشی انسجام اجتماعی مبتلا می‌شوند. از منظر قرآن، زیربنای دگرگونی‌های اجتماعی، انسان‌ها و تغییرهای درونی آنهاست. به دیگر سخن، تحول، صورت اجتماع روبنا و روح افراد زیربنای تغییرهای اجتماعی می‌باشند.
(ی) یکی از سنن الهی حاکم بر تاریخ، نصرت و پیروزی اهل حق در مبارزه با اهل باطل است؛ ولی این سنت مشروط به پایمردی و تحمل شداید و بلاها و استقامت در میدان جهاد با کفر است.
(ک) منازعه مترقان و خوش‌گذرانان با صاحبان دعوت آسمانی از سنت‌های حاکم بر تاریخ است. به‌رغم پندار مادی‌گرایان، رعایت عدالت در توزیع درآمدهای جامعه موجب افزایش تولید و محصولات و رفاه اجتماعی می‌شود و دریچه‌های گنجینه‌های الهی را به روی مردم باز می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این کتاب ابتدا در قالب درس‌هایی ارائه شده که با عنوان *المدرسه القرآنیه* چاپ شده است. سپس آقای *جلال الدین الصغیر* بر این مجموعه سخنرانی‌ها تعلیقاتی نوشته و آن را با عنوان *السنن التاریخیه و الفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه القرآنیه* چاپ کرده است. سپس این اثر را جناب آقای حسین منوچهری با عنوان *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن* چاپ کرده است.
۲. رک: سیدمحمدباقر صدر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ص ۷۱
۳. رک: همان، رک: ۷۶ - ۷۳
۴. رک: همان، ص ۷۶
۵. رک: همان، ص ۷۷
۶. رک: همان، ص ۷۸
۷. همان، ص ۷۸
۸. رک: همان، ص ۷۸ - ۷۹
۹. همان، ص ۷۹
۱۰. مراد از آن، حالتی است که خارج از اصل چیزی بر آن وارد می‌شود. برای توضیح دو اصطلاح «تکوینی» و «تشریحی» می‌گوییم که مثلاً دین در ذات انسان، امری تکوینی است؛ زیرا اصلی و از طبیعت انسان تفکیک‌ناپذیر است. اما نماز خواندن امری تشریحی؛ چرا که بنا بر اراده شارع که یک عامل خارجی و جدا از ذات انسان است وضع شده است. (پاورقی علی الصغیر)
۱۱. شهید صدر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ص ۸۱ - ۸۰
۱۲. همان، ص ۸۰
۱۳. رک: همان، ص ۸۱
۱۴. همان، ص ۸۲
۱۵. همان، ص ۹۵
۱۶. همان، ص ۹۵ - ۹۶
۱۷. همان، ص ۹۶
۱۸. همان، ص ۹۶ - ۹۷
۱۹. همان، ص ۱۰۵ - ۱۰۴
۲۰. همان، ص ۱۰۶ - ۱۰۵
۲۱. همان، ص ۱۰۶
۲۲. همان، ص ۱۰۷ - ۱۰۶
۲۳. همان، ص ۱۰۹ - ۱۰۷
۲۴. همان، ص ۱۰۰
۲۵. همان، ص ۸۲
۲۶. همان، ص ۸۲
۲۷. همان، ص ۸۴
۲۸. *أظهراً* آن شهید بزرگوار پایه اصلی و محور اساسی تشکیل جامعه‌ها را ایده‌ها و آرمان‌ها قرار می‌دهد. (پاورقی، علی الصغیر)
۲۹. همان، ص ۸۶ - ۸۵
۳۰. همان، ص ۸۷ - ۸۶
۳۱. همان، ص ۸۷ - ۸۸
۳۲. همان، ص ۸۸
۳۳. همان، ص ۸۸
۳۴. همان، ص ۸۹

۳۵. رک: همان، ص ۸۹
 ۳۶. همان، ص ۸۹. گروهی از مفسران قرآن مجید با این سخن موافق نیستند و معتقدند عقوبت و کیفری که در آیه شریفه بدان اشاره شده است، همان کیفر اخروی و عقوبت روز قیامت است. تنها شهید صدر و تعدادی از مفسران معاصر عکس این عقیده را بیان کرده‌اند. آنچه به وضوح از حقیقت عدل الهی و بدیهی بودن عصمت پیامبران برمی‌آید این است که منظور از این کیفر، چیزی جز کیفری که سنت‌های تاریخ در همین زندگی دنیا می‌دهد، نیست؛ زیرا محاکمه و رسیدگی به حساب و کتاب در آخرت، مربوط به یکایک افراد است که هر کس اگر نیکوکار باشد به ثواب می‌رسد و اگر بدکار باشد به کیفر و عقاب؛ به استناد این اصل قرآنی که «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام ۱۶۴/۶) و (اسراء ۱۱۷/۱۵) کسی شریک در عقوبت دیگری نخواهد بود. در صورتی که در اینجا موضوع مردم به عنوان یک مجموعه مطرح است و غالباً گروهی از افراد خوب و صالح نیز داخل این مجموعه وجود دارد. (پاورقی علی الصغیر).

۳۷. همان، ص ۸۹-۹۰
 ۳۸. همان، ص ۹۰-۹۲
 ۳۹. همان، ص ۹۳-۹۲
 ۴۰. همان، ص ۹۵-۹۳
 ۴۱. رک: نگارنده، جواد سلیمانی، «مقاله قانونمندی جامعه و تاریخ از منظر عقل و دین»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۱۵، ص ۱۱۹-۱۱۸.
 ۴۲. همان، ص ۹۷-۹۹
 ۴۳. همان، ص ۱۰۰-۹۹
 ۴۴. همان، ص ۱۰۰
 ۴۵. همان، ص ۱۰۱
 ۴۶. همان، ص ۱۰۱-۱۰۲
 ۴۷. همان، ص ۲۲۹
 ۴۸. همان، ص ۲۲۹-۲۳۰
 ۴۹. همان، ص ۲۳۱-۲۳۰
 ۵۰. همان، ص ۱۰۲-۱۰۳
 ۵۱. همان، ص ۱۰۴



منابع

سلیمانی، جواد، «قانون‌مندی جامعه و تاریخ از منظر عقل و دین»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۱۵، پاییز ۸۶، ص ۹۱-۱۲۶.

صدر، سیدمحمدباقر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، تهران، رجا، ۱۳۶۹ ش.